

## بسمه تعالی

### گزارش میزگرد مشترک دفتر مطالعات با مدیران مؤسسات بنام اتریشی

میزگرد مشترکی میان دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و هیأتی اتریشی متشکل از مدیران مؤسسات برجسته اتریشی، مؤسسه سیاست اروپایی و امنیتی اتریش (AIES)، مؤسسه صلح بین‌الملل (IIP)، مؤسسه اتریشی امور بین‌الملل (OIIP) و استاد دانشگاه وین در روز ۱۴ شهریور ۱۳۹۵ در محل دفتر مطالعات برگزار شد.

در جلسه نخست تحت عنوان چشم‌اندازها و پیامدهای خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، پروفیسور هانتس گرتر، مدیر آکادمیک مؤسسه اتریشی امور بین‌الملل در سخنرانی خود تحت عنوان روابط فرآتلانتیک با تأکید بر خروج انگلیس از اتحادیه اروپا اظهار داشت، آمریکایی‌ها گلایه می‌کنند که اروپایی‌ها به اندازه کافی روز حوزه دفاعی هزینه نمی‌کنند. وی گفت، اروپایی‌ها حدود ۵۰٪ از بودجه دفاعی که آمریکا به تنهایی هزینه می‌کند، تقبل کرده‌اند که شامل عملیات ناتو می‌شود. وی درباره خروج انگلستان از اتحادیه اروپا گفت، این خروج تأثیر چندانی روی سیاست‌های جهانی ندارد، تنها کمی روی محدودیت‌های بریتانیا در زمینه‌های نظامی و دفاعی اثر خواهد داشت. اما به هر حال چون انگلستان عضو ناتوست، جایگاه آن تغییر چندانی نخواهد کرد. وی درباره سیاست دفاعی و امنیتی اروپا اظهار داشت، دو امکان وجود: ۱. سیاست دفاعی و امنیتی اروپا ضعیف‌تر خواهد شد. ۲. بدون بریتانیا، شاهد سیاست دفاعی و امنیتی منسجم‌تری خواهیم بود.

اروپا ۶۵٪ از سرانه دفاعی دنیا را به عهده دارد و در زمینه تجاری نیز نقش عمده‌ای دارد. اولین و دومین شریک تجاری اروپا چین و بعد هند می‌باشد. همکاری تجارت و تعرفه TTP فرآتلانتیک میان اروپا و آمریکا ایده وحدت رویه در گمرک‌ها و تعرفه‌های تجاری را دارد. آمریکایی‌ها اکنون بیشتر روی منطقه آسیا پاسیفیک تمرکز کرده‌اند. و در این زمینه اولویت‌هایشان با اروپا تفاوت دارد لذا TTP هم اکنون در حال تغییر و تحول می‌باشد. در حوزه ژئوپلیتیک، ما شاهد تحرکات تهاجمی‌تر روسیه و موضوع اوکراین هستیم. در ایالات متحده کلینتون در زمینه دیپلماسی اشتراک نظر بیشتری با اروپا دارد اما در زمینه مداخلات نظامی ممکن است تفاوت نظر با اروپا داشته باشد.

در ادامه پنل نخست، دکتر حسین مفیدی احمدی، طی مطلبی تحت عنوان برگزیت: امیدها و هراس ها برای ایران، امیدهای ایران را پس از فراندوم خروج بیتانیا از اتحادیه اروپا اینگونه برشمرد: ۱. تضعیف احتمالی نقش بریتانیا در اتحادیه، به عنوان کشوری که بیشترین هماهنگی را با سیاست های امنیتی ایالات متحده علیه ایران داشته است. ۲. بریتانیای خارج از اتحادیه اروپا احتمالا متحد استراتژیک ضعیف تری برای ایالات متحده خواهد بود. ۳. با عنایت به اثر ممکن احتمالی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بر تضعیف اتحادیه اروپا، و تضعیف کلی «غرب»، روسیه و چین نفوذ خود را در خاورمیانه شدت خواهد بخشید و ایران نگاه خود را به سمت «شرق» تقویت خواهد کرد. ۴. پس از برگزیت اسب تروی ایالات متحده اتحادیه اروپا را ترک خواهد کرد. ۵. خروج بریتانیا قدرت و تأثیرگذاری سیاست های تحریمی احتمالی آینده اتحادیه اروپا و انگلستان را تضعیف خواهد کرد. ۶. بریتانیای خارج از اتحادیه اروپا احتمالا کشوری «درونگرا» تر خواهد بود. ۷. برگزیت باعث افزایش شفافیت در سیاست خارجی بریتانیا خواهد شد. ۸. برگزیت قدرت چانه زنی ایران را با اروپا در حوزه های اقتصادی و استراتژیک افزایش خواهد داد.

مفیدی احمدی در ادامه هراس های ایران را از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا چنین برشمرد:

۱. برگزیت ممکن است چالش هایی را در مسیر تحقق برجام ایجاد نماید.
۲. برگزیت نقش اتحادیه اروپا را به عنوان قدرت متوازن کننده در سیاست خارجی انگلستان تضعیف خواهد کرد.
۳. با توجه به تأثیر منفی کوتاه مدت برگزیت بر اقتصاد انگلستان، این کشور نیاز جدی تری را برای گسترش تعاملات تجاری و معاملات تسلیحاتی خود با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس احساس خواهد کرد.
۴. خروج اتحادیه تأثیری منفی بر جریان جهانی سرمایه گذاری مستقیم خارجی خواهد داشت.
۵. به انگلستان کمک خواهد کرد از شر الزامات اتحادیه اروپا در زمینه مقررات تجارت تسلیحات با کشورهای ثالث خلاص شود.
۶. با نظر به ریسک بالای سرمایه گذاری در ایران به عنوان نتیجه تحریم های ثانویه ایالات متحده، ایران احتمالا در میان اولویت های سرمایه گذاری برای بریتانیا محسوب نخواهد شد.
۷. اثر احتمالی برگزیت بر ظهور رهبران جدید در بریتانیا و سایر کشورهای اروپایی که تعریف آنها از هویت اروپایی انحصارگرانه تر باشد.

۸. برگزیت اثری منفی بر موقعیت ایران در مدیریت بحران های منطقه ای خواهد داشت. این در حالی است که برجام اروپا را با فرصت تغییر جهت از سیاست مهار تهران به تعامل سازنده روبرو خواهد کرد.

۹. برگزیت چندجانبه گرایی را تضعیف خواهد کرد.

۱۰. اروپای تضعیف شده احتمالا بیشتر تحت تأثیر ایالات متحده قرار خواهد گرفت.

در پنل دوم تحت عنوان فهم پویایی های اروپا، ابتدا دکتر آرنولد کامل در سخنرانی خود در خصوص سیاست امنیتی و دفاعی اروپایی و آینده امنیت اروپایی، اظهار داشت دو حادثه تروریستی در بروکسل و پاریس باعث شدند که مفهوم مأوای امن اروپایی دچار آسیب پذیری شود. در کنار این گونه تهدیدات، بودجه نظامی اروپا نیز نزول نموده است به گونه ای که بین سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۵ این بودجه ۱۴.۵ درصد سقوط پیدا کرده است. کشورهای اروپایی واقعا سعی کرده اند که در سال های اخیر سیاست منسجم تری را در رابطه با سیاست امنیتی و دفاعی اروپایی اتخاذ کنند اما همچنان در این زمینه ضعف زیادی دارند. استراتژی جهانی اتحادیه اروپا که امسال به چاپ رسید، در این زمینه مورد استقبال کشورهای اروپایی قرار گرفت.

وی ۵ سناریو را برای سیاست امنیتی و دفاعی اروپایی متصور شد:

۱. سناریوی بسیار بدبینانه: اروپایی ها قادر به اتخاذ یک سیاست امنیتی و دفاعی مشترک نخواهند شد.

۲. هزینه دفاعی بیشتری در برخی حوزه ها و برخی مداخلات صرف خواهد شد.

۳. بودجه های دفاعی در مدیریت بحران ها و عملیات صلح هزینه خواهد شد و این بعد دفاعی اروپایی

فراملی تر خواهد شد.

۴. ستون اروپایی در داخل ناتو یا به تعبیری ناتوی اروپایی ایجاد و تقویت شود.

۵. به ۱۹۵۰ برگردیم و از اتحادیه دفاعی اروپایی در سطح فراملی صحبت کنیم و خود اروپایی ها از بعد

دفاعی متحد و مستقل برخوردار شوند.

دکتر کامل تأثیرات برگزیت را بر روی سیاست امنیتی و دفاعی اروپایی دو گونه دانست:

۱. انسجام بیشتر اروپا بدون بهانه تراشی های انگلستان

۲. اروپا یک کرسی از شورای امنیت را از دست می دهد.

وی در نهایت محتمل ترین سناریو را تداوم راه اروپایی در همین مسیری که هستند، دانست.

در ادامه پنل دوم، دکتر بهزاد احمدی طی مطلب خود تحت عنوان نقش سازنده ایران در ارتباط با راهبرد جهانی سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا، گفت دقیقا چند روز پس از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، این اتحادیه راهبرد جدید خود را به عنوان چهارچوبی اصلی برای تعریف سیاست خارجی و امنیتی مشترک آینده اروپا اعلام و منتشر کرد. وی گفت، سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا مبتنی بر پنج ارزش اصلی است که عبارتند از: صلح، امنیت، شکوفایی و رونق، دموکراسی و قوانین. این ارزشها به دلایل متعددی به نقش ایران مرتبط هستند:

نخست آنکه، سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا باید امنیت کشورهای عضو این اتحادیه را در قبال تهدیداتی همچون تروریسم و امنیت انرژی افزایش دهد. همچنین، سیاست خارجی مشترک اروپا بر آن است که توانمندی های دفاعی کشورهای عضو اتحادیه را به ویژه در زمینه امنیت سایبری ارتقاء دهد. از اینرو، نقش ایران در امنیت انرژی اتحادیه اروپا، مبارزه با تروریسم و جنگ علیه داعش و دیگر گروههای افراطی به ویژه افراط گرایی سلفی بسیار حایز اهمیت است. دوم آنکه، سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا بر آن است که قدرت ترمیم پذیری دولتها و جوامع (Resilience of States and Societies) را در شرق تا امتداد آسیای مرکزی از یکسو و آفریقای مرکزی از سوی دیگر تقویت کند و نیز دوباره به دولتهای شکننده (Fragile States) ثبات بخشد. این امر به معنای تمرکز ویژه اروپا بر افزایش قدرت ترمیم پذیری جوامع در حال گذار است. در این ارتباط نیز نقش ایران در مدیریت موجهای مهاجر تاز افغانستان، پاکستان و بنگلادش بسیار با اهمیت است.

سندی که اخیرا توسط پارلمان اتحادیه اروپا منتشر شده است، اشاره دارد که ایران یک کشور مسلط در منطقه است، دارای ذخایر عظیم گازی است و شریک مهمی نیز برای اتحادیه اروپا در یک منطقه بی ثبات (منطقه خاورمیانه) است. بنابراین، موقعیت استراتژیک ایران را در منطقه خاورمیانه نمی توان نادیده گرفت. همچنین، در سند اخیر سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا به نقش ایران نیز در این باره اشاره شده است؛ به ویژه آنکه، در این سند بر لزوم اتخاذ یک رهیافت جامع برای حل مناقشات و بحرانها که مبتنی بر مشارکت اروپا، بازیگران بین المللی و منطقه ای است، تاکید شده است. در این ارتباط، می توان نقش مهم ایران را در حل

بحرانهای سوریه و عراق دید؛ ایران از ساختار دولت ملتها در منطقه و حفظ نظم موجود حمایت می کند و همچنین، نقش ثبات بخش آن در بسیاری از مناقشات منطقه ای بسیار مهم است.

سوم آنکه، طبق سند اخیر سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا، این اتحادیه برآنست که از «نظم‌های منطقه ای» (Regional Orders) در سراسر جهان حمایت کند. در این زمینه نیز نقش ایران مهم می باشد. امروزه، امنیت از پایین به بالا تعریف میشود و این امر بدین معنا است که امنیت منطقه، امنیت نظام جهانی است. در نتیجه، برای اتحادیه اروپا حل مناقشات و ارتقای حقوق بشر در کشورهای جنوب از جمله در کشورهای مدیترانه ای، آفریقایی و خاورمیانه عنصری کلیدی برای مواجهه با تهدیدات تروریستی و چالشهای مربوط به دموکراسی است. در این بخش اتحادیه اروپا برآن است که یک «مشارکت متوازن» (Balanced Engagement) را در منطقه خلیج فارس دنبال کند و با کشورهای این منطقه همکاری داشته باشند. این سند امیدوار است که موافقتنامه هسته ای میان ایران و گروه ۵+۱ به تدریج به همکاری در حوزه های دیگر همچون تجارت، پژوهش، محیط زیست، انرژی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مساله مهاجر تو دیگر چالشها منجر شود و بنابراین، دوباره می توان شاهد نقش کلیدی ایران در این زمینه ها بود.

دکتر احمدی در پایان گفت، مطابق با استراتژی اتحادیه اروپا، این اتحادیه باید روند اصلاح حکمرانی جهانی مبتنی بر هنجارهای بین المللی را به منظور کسب احترام و توسعه پایدار و نیز برای دسترسی به تجارت جهانی گسترش دهد. در این زمینه نیز در سند سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا اشاره شده که اتحادیه اروپا یک نظم جهانی مبتنی بر قانون را که همان چند جانبه گرایی می باشد، گسترش داده است. در این خصوص، برجام به عنوان یک موفقیت بزرگ برای اتحادیه اروپا در ارتباط با گسترش هنجارهای بین المللی و منطقه ای و در نهایت، حفظ وضع موجود تلقی می شود. به عنوان جمع بندی نهایی، باید گفت که پس از برجام پویاییهای بیشتری برای همکاریهای موثرتر میان ایران و اتحادیه اروپا به خصوص در زمینه ثبات و امنیت در خاورمیانه وجود دارد.

در پنل سوم، تحت عنوان روابط ایران-اروپا، دکتر هانس سوبودا سخنرانی خود را در خصوص روابط اقتصادی میان ایران و اروپا و تحولات اقتصادی در اروپا و روابط اروپا با خاورمیانه ارائه داد. وی گفت، در اروپا ما رهبری مؤثری نداریم؛ گرچه اکنون آلمان می تواند جایگزین مناسبی برای انگلیس باشد و مانند لنگر ثباتی در اروپا عمل کند. خروج انگلیس ممکن است موجب قوی تر شدن و منسجم تر شدن سیاست های اقتصادی در اروپا و نیز استقلال بیشتر اروپا در مواضع خود نسبت به خاورمیانه شود. وی تأکید کرد، اروپا تنها منطقه ای است که تمام کشورهای آن می خواهند نزدیک تر با هم همکاری کنند. اروپا دارای قدرت نرم بالایی است اما

اگر این قدرت نرم با قدرت سخت همراه نباشد، محدودیت دارد. وی گفت، ایران برای اتحادیه اروپا از چند جهت جالب است: ۱. منابع معدنی؛ ۲. صنعت قابل توجه؛ ۳. تقاضای زیاد در زمینه های زیرساختی؛ ۴. انتقال فناوری های صلح آمیز. دو رویکرد برای ارتقای همکاری های اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا وجود دارد: ۱. رویکرد دوجانبه؛ ۲. رویکرد چندجانبه با محوریت شرق-غرب؛ نقش مهمی که ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک که ایران می تواند میان شرق و غرب ایفا کند. تاکنون اعتماد زیادی نسبت به ایران وجود نداشت، که بعد از برجام شرایط بهتر شده است. اما به نظر می رسد از آنجایی که ایران تنها کشوری نیست که خواهان این روابط با اروپا است لذا باید موانع بوروکراتیک برداشته شود. وی در خصوص موضوع پناهندگان اظهار داشت، ایران می تواند در این خصوص درک خوبی از وضعیت سیل مهاجران کنونی به اروپا داشته باشد چرا که خود سال ها درگیر موضوع پناهندگان افغانی بوده است. سوپودا در پایان ابراز خوش بینی کرد که روابط میان ایران و اروپا به ویژه در زمینه اقتصادی، علی رغم اختلاف نظرها مخصوصاً در زمینه حقوق بشر و موضوعات مشابه به سمت خوبی پیش خواهد رفت.

در ادامه پنل سوم، دکتر دولت یار در سخنرانی خود با عنوان *روابط ایران و اروپا: شانسی برای تغییر* گفت، تا چندین سال پیش دیدگاه اروپایی ها نسبت به ایران این بود که این کشور جای امنی نیست که این موضوع حاصل جو رسانه های اروپایی است. حدود ۹۰ درصد از اخبار مربوط به ایران به کلمات کلیدی منفی مانند بحران، تهدید، نزاع، جنگ، تروریسم، اسرائیل، نقض های حقوق بشری، مواد مخدر، تحریم ها، درگیری با ایالات متحده، سلاح های کشتار جمعی، بی ثباتی و غیره ارتباط دارد و ایران به عنوان کشوری ناامن، متلاطم، افسرده و بسته معرفی می شود. در رسانه های اروپایی و افکار عمومی مخاطب آنها، کشورهای مورد مناقشه اینطور متصور هستند. خبرنگاران و صاحب نظران اروپایی در خدمت آژانس های خبرگزاری و شبکه های خبری قرار دارند که دستور کار سیاسی خاص خود را دارند.

دکتر دولت یار به استانداردهای دوگانه در تعاریف واژه ها در غرب و در کشورهای «مورد مناقشه» مانند ایران اشاره داشته و گفت، درباره ایران کمبود دانش و اطلاعات در غرب وجود دارد و اروپا اطلاعات کمی از فرهنگ عالی، زندگی آرام، درجه بالای آزادی، امنیت و ثبات، تمدن و دستاوردهای این کشور دارد. لذا لازم است برای ترمیم و بهبود روابط با ایران، اروپا بتواند به شناخت درستی از این کشور دست یابد. به این منظور اروپا ابتدا باید پارادایم سیاست خارجی خود مبنی بر «انکار و مقابله» را بگونه ای تغییر دهد که «انکار» به «فهم» و «مقابله» به «همکاری» تبدیل شود. گرچه فضای برجام توانسته است این فضا را تا حدودی تلطیف نماید. تلاش های ایران برای مقابله با تهدیدات در سطوح منطقه ای و بین المللی پتانسیل خوبی برای همکاری با اروپا می باشد.

در پنل چهارم تحت عنوان *فهم پویایی های خاورمیانه*، خانم دکتر گودرون هارر، طی مطالبی در خصوص چشم انداز اروپایی نسبت به مسایل خاورمیانه گفت، آنچه در غرب هست، این است که کشورهای غربی و مخاطبان غربی نمی دانند چه نقشی در مسایل خاورمیانه دارند. موضوع پناهندگیان در اروپا همانطور که اشاره شد، موضوع مهمی است. اما تفاوت موضوع پناهندگان در ایران و اروپا این است که کسانی که به اروپا می آیند، دارای یک فرهنگ کاملا متفاوت هستند. و از معضلات کنونی اروپا در مورد مهاجران آن است که مردم کشورهای اروپایی نمی توانند میان اسلام واقعی و اسلام افراطی تمایز قائل شوند از این رو با مسلمانان به طور کل مشکل پیدا می کنند. وی ادامه داد، من از ملی گرایی های جدید در غرب و برداشت و قضاوت آنها نسبت به اسلام و فرهنگ مهاجران جدید می ترسم. فقدان تفکر استراتژیک مستقل اروپایی یک دلیلش همین آمریکایی بودن تفکر استراتژیک بوده است. مسأله دیگری که روی تفکر غربی درباره خاورمیانه تأثیر گذاشت، بهار عربی بود. ابتدا مردم اروپا فکر کردند که مردم کشورهای عربی هم مثل خودشان دارای تفکر مدرن هستند و می خواهند که از دیکتاتورها رها شوند در صورتی که اوضاع بسیار پیچیده تر از آنی بود که فکر می کردند. لذا واکنش غرب نسبت به این وقایع آسان نبود.

در ادامه پنل چهارم، دکتر برزگر درباره چشم انداز همکاری های منطقه ای در مبارزه با داعش سخنرانی کرد. در ابتدا، وی بیان کرد که مهم ترین نکته ای که پویایی های منطقه ای را تحت تاثیر قرار می دهد، چگونگی جنگ و ائتلاف های فعلی دولت ها علیه داعش است. از نظر وی نبرد علیه داعش و شکست کامل این گروه تروریستی در سوریه و عراق نیازمند همکاری همه دولت ها است. نکته اصلی دکتر برزگر این بود که ماهیت داعش به گونه ای است که دولت ها نمی توانند ائتلاف خاص خود را در مبارزه با داعش ادامه دهند و در یک قالب حاصل جمع صفر برنده میدان نبرد باشند. به نظر وی، تنها راه برای مبارزه علیه این گروه تروریستی، پایبندی به «رویکرد چندجانبه گرایی» است تا همه بازیگران منطقه ای و فرمانطقه ای را دربرگیرد.

در ادامه بحث دکتر برزگر توضیح داد که در جنگ علیه داعش، اکنون ائتلاف هایی مجزا از یکدیگر وجود دارند که هر یک از آن ها شیوه مهار و اقدامات خاص خود را علیه این گروه تروریستی انجام می دهد. این ائتلاف ها عبارتند از: ائتلاف ایران و روسیه، ائتلاف به رهبری آمریکا که شامل برخی کشورهای محافظه کار عربی نیز می شود، ائتلاف عربستان سعودی و نهایتا اقدامات ترکیه علیه داعش که بیشتر با هدف مبارزه با گروه های کردی مخالف دولت این کشور انجام می شود. در ارتباط با ائتلاف های مزبور، وی بیان کرد که مساله «استمرار» و چگونگی ایجاد «ظرفیت» برای هدایت نبرد علیه داعش مهم است. ائتلاف ایران و روسیه قدرتمند است، چون آن ها مساله داعش را به نوعی به یک موضوع امنیت ملی خود تبدیل کرده و با سیاست داخلی و

افکار عمومی خود ارتباط برقرار کردند و از این طریق به جنگ پیشگیرانه با داعش برای حفظ امنیت ملی می پردازند. به همین دلیل، موثرترین ائتلاف علیه داعش، همین ائتلاف ایران و روسیه است که شامل دولت سوریه، عراق، حزب الله و دیگر گروه ها نیز می شود. این ائتلاف در مبارزه علیه داعش بسیار با اهمیت است اما در عین حال، کافی نیست. در مقابل ائتلاف های دیگر وجود دارند که استمرار و ظرفیت درگیری تمام عیار با داعش در میدان های نبرد را ندارند، اما از لحاظ مالی، پشتیبانی و لجستیک توانایی تاثیرگذاری بر میدان های نبرد و مهمتر از آن مذاکرات صلح و بسیج نیروهای سیاسی مخالف را دارند. از نقطه نظر وی، هرچند اکنون ایران و روسیه و دولت سوریه دست برتر را در صحنه دارند اما شکست داعش و سایر تروریست ها همچنان نیازمند مشارکت همه دولت های درگیر در بحران است.

در ادامه، وی تصریح کرد که داعش هم اکنون ضعیف تر است اما مبارزه علیه این گروه همچنان به درجه تاثیرگذاری بر منافع بازیگران در ابعاد گسترده تر ژئوپلیتیکی منطقه بستگی دارد. اکنون ائتلاف ها و دولت ها در این مبارزه در درجه نخست به منافع و امنیت ملی خود توجه می کنند. بدین معنا که هر دولت راهبرد خاص خود را در مبارزه علیه داعش هدایت می کند. نباید انتظار تغییر زیاد در سیاست ایران و روسیه را داشت. آنها به اصول خاص خود در ارتباط با مبارزه علیه تروریسم پایبند هستند اما می توانند درباره منافع خود نیز چانه زنی کنند و این منفعت بیشتر در مورد چگونگی تسریع بخشیدن به ارائه راه حل سیاسی در سوریه است.

در ادامه، رئیس پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه بیان کرد که از دیدگاه ایران، موثرترین راه مبارزه با داعش بسیج کردن نیروهای داخلی در عراق و سوریه و تقویت دولت های این کشورها است. در این باره، وی عنوان کرد که مهم است بدانیم که تا چه اندازه مردم عراق و سوریه تمایل به جنگیدن علیه داعش را دارند. شکست داعش در تکریت، الرمادی و فلوجه با بسیج مردمی و اتحاد گروه های سیاسی عراق صورت گرفت. این مساله همان نکته مورد نظر ایران است که حفظ و تقویت دولت سوریه در مبارزه علیه داعش لازم است و نگهداشتن دولت سوریه نیز به معنای باقی ماندن بشار اسد در قدرت حداقل در دوره گذار است؛ چرا که ما نمی دانیم که فردای سقوط رژیم اسد چه کسی حاکم بر سوریه خواهد شد.

سپس، دکتر برزگر در مورد راه حل همکاری دولت ها در مبارزه با داعش عنوان کرد که لازم نیست به مساله داعش به عنوان یک موضوع ژئوپلیتیکی گسترده تر منطقه ای نگاه کنیم. بهتر است تمرکز همکاری در یک قالب چندجانبه منتهی با یک دستور کار مشخص و محدود باشد. از این طریق می توان مانع از تفسیرهای گسترده دولت ها از منافع ژئوپلیتیک در منطقه و آثار احتمالی مبارزه با داعش شد.

همچنین، دکتر برزگر به این نکته اشاره کرد که ایران و روسیه تمایل به کنار گذاشتن بازیگران دیگر این جنگ از جمله عربستان سعودی و آمریکا را ندارند. برعکس، این دو کشور تلاش می کنند تا این پیام را به دیگر بازیگران بدهند که ما در جنگ علیه داعش شرکت کرده ایم، چون ما فکر می کنیم که این جنگ دفاع از خود و پیش دستی بر تهدیدات از طریق اجرای یک راهبرد کم هزینه تر است و این یک پیام قوی است. به عقیده وی، اکنون وقت آن رسیده است که کشورهای غربی دریابند که جنگ علیه این گروه تروریستی مستلزم نوعی همکاری متمرکز نظامی با مشارکت همگانی است.

در پایان، دکتر برزگر به سه سناریویی که هم اکنون مطرح هستند، اشاره کرد. سناریوی اول معتقد به همکاری ایران و آمریکا در همه موضوعات منطقه ای از جمله مبارزه با تروریسم و داعش است. وی توضیح داد که این سناریو دقیق نیست؛ چرا که از نگاه ایران، این سناریو به ضرر روابط منطقه ای ایران مثلا با عربستان و ترکیه است. چون این کشورها خواهان منحصردن موضوعات منطقه ای بین ایران و آمریکا نیستند. مهم ترین اصل سیاست خارجی ایران هم افزایش همکاری های منطقه ای است. رییس جمهور و وزیر امور خارجه ایران هم بارها بر این اصل تاکید کرده اند.

سناریوی دوم همکاری ایران و عربستان برای حل مسائل منطقه ای است که به نوعی نیز کشورهای اروپایی مشوق آن بوده اند. از این دیدگاه، نخست باید تنش های میان ایران و عربستان برطرف شوند تا راه برای مبارزه با تروریسم در منطقه هموار شود. اما این خود به معنای بلوک بندی کردن منطقه بین ایران و عربستان است که واکنش منفی سایر کشورهای منطقه به خصوص بازیگران کوچک تر را در پی خواهد داشت. ضمن اینکه با توجه به سیاست تهاجمی سعودی ها در منطقه زیاد واقعی نیست.

اما سناریوی سوم ایجاد یک چارچوب «چندجانبه گرایی» با ماموریت محدود است. یعنی اولویت دادن به مبارزه با داعش در ابعاد نظامی و سیاسی با مشارکت همه کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای درگیر در بحران. از نظر دکتر برزگر، گسترده کردن دیپلماسی و تعداد بازیگران در اینجا نوعی مشروعیت بین المللی به مبارزه با یک تهدید جمعی می دهد و این خاصیت را دارد که کشورها در نهایت برای حل یک تهدید فوری مجبور می شوند از منافع حداکثری خود کمی کوتاه بیایند. البته برای دستیابی به یک راه حل پایدار چاره ای جز این نیست. این مدل در بحران افغانستان هم کارساز بود.

از نکات مهمی که طرف های اتریشی در بخش های پرسش و پاسخ مطرح کردند عبارتند از:

۱. آنچه در غرب متوجه نمی شوند این است که اروپایی ها افراد را در خاورمیانه مفعول و موضوع می بینند نه فاعل.
  ۲. ائتلاف ایران-روسیه کارآمدترین ائتلاف است که این ائتلاف شامل عراق، حزب الله و سوریه است اما این ائتلاف به تنهایی برای حل معضل سوریه کافی نیست و باید سایر کشورها نیز در این زمینه همکاری کنند.
  ۳. نگاه اتحادیه اروپا به مسأله کردها به نحوی است که تمامیت ارضی کشورها را به رسمیت شناخته و خواهان احقاق حقوق اقلیت ها می باشم نه تغییر مرزهای کشورها برای تشکیل یک کشور مستقل کردی.
  ۴. تصویر اروپا درباره ایران در فضای پس از برجام خوشبینانه تر شده است.
  ۵. انگلستان رویکرد متفاوتی پیدا کرده است و سعی دارد دوباره تبدیل به قدرت جهانی شود.
  ۶. خروج انگلستان از اتحادیه اروپا یک شکست بود اما فرصتی برای بازسازی ساختارهای اتحادیه اروپایی و بازاندیشی درباره الگوهای آن فراهم آورد.
  ۷. اتریش بسیار مشتاقانه منتظر برجام و همکاری های پس از آن با ایران بوده است.
  ۸. در خصوص موضوع رقابت های انتخاباتی آمریکا، کلینتون روی موضوع حقوق بشر و مداخلات دیگر با ایران سرسختانه تر برخورد خواهد کرد. ترامپ اگر بخواهد ساز مخالف بزند، ایزوله می شود به ویژه اگر ایران و اروپا همگی به تعهدات خود در قالب معاهده وین عمل کنند.
- نتیجه گیری های پایان جلسه:

۱. فرضیات باید بازنگری شوند.
۲. بلوک هایی از اتحادیه اروپا، خاورمیانه و اتحادیه اروپا-خاورمیانه باید ایجاد کرد. هیچ ساختار محکمی وجود ندارد.
۳. ما باید پل هایی میان دو کشور ایران و اتریش برای تسهیل مذاکرات ایران-اتحادیه اروپا بسازیم.

ستوده زیباکلام

گروه مطالعات اروپا